

نقش تاریخ شفاهی در تاریخ‌نگاری

دکتر مرتضی تهمی

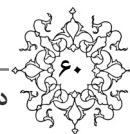
چکیده:

جستار این مقاله در مورد نقش تاریخ شفاهی در تاریخ‌نگاری است. نظر به اینکه تاریخ همه گذشته نیست، تاریخ شفاهی می‌تواند منبعی باشد که همسانی گذشته و تاریخ را بیشتر تقویت کند و حجم کارکردهای تاریخ‌نگاری را در دسترسی به حقیقت افزایش دهد. تاریخ شفاهی روش گردآوری و حفظ سوابق و تجربیات گذشته انسان‌هاست. از طریق تاریخ شفاهی می‌توان بخشی از حوادث و وقایعی را که در جایی ثبت نشده است به دست آورد. روش تاریخ شفاهی بر گفت‌وگو و مصاحبه حضوری استوار است. در مصاحبه به همان میزان که مصاحبه‌شونده اهمیت دارد، مصاحبه‌کننده نیز مهم است. هنگامی که صحبت‌های مصاحبه‌شونده به شکل نوشتار درآید و با عقل تاریخی سنجیده شود، تاریخ‌نگاری صورت گرفته و این نوشته‌ها در ردیف متون تاریخی قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها:

تاریخ، تاریخ‌نگاری، تاریخ شفاهی، مصاحبه، روش‌ها.

دوفصلنامه تاریخ شفاهی، سال ۴، شماره ۲، پیاپی ۸، پائیز و زمستان ۱۳۹۷، ص ۶۰-۷۴





نقش تاریخ شفاهی در تاریخ‌نگاری

دکتر مرتضی تهمامی^۱

مقدمه:

زبان نخستین وسیله ارتباطی انسان‌ها با یکدیگر است و از زمانی که بشر پا به عرصه وجود گذاشت، نیاز به ارتباط با دیگران را احساس کرد و این ارتباط از طریق زبان صورت گرفته است. انسان‌ها سال‌های طولانی ارتباطات اجتماعی و نیازهای یکدیگر را از طریق کلام مرتفع می‌کردند، تا اینکه بشر توانست خط را اختراع کند. اختراع خط تحول چشمگیر و آغاز دوره جدیدی در زندگی اجتماعی انسان‌ها بود که از آن با عنوان دوره تاریخی یاد می‌شود. با اختراع خط، بخشی از حافظه فرهنگی و ملی یک تمدن ثبت شد، حفظ گردید و زمینه انتقال آن به نسل‌های آینده فراهم شد. زبان و خط در طول تاریخ در حیات اجتماعی انسان‌ها مؤثر بوده و عامل پیوستگی و انسجام اجتماعی و تأمین‌کننده نیازهای آنان بوده است.

بشر تاکنون سه دوره فرهنگی زیر را طی کرده است:

۱. دوره فرهنگ شفاهی؛
 ۲. دوره فرهنگ کتبی که به زمان اختراع خط می‌رسد و از وقتی که دستگاه چاپ اختراع شد، رواج کامل یافت؛
 ۳. دوره فرهنگ تصویری و تلویزیونی که دوره معاصر است.
- در دوران باستان، فرهنگ شفاهی و روایی رواج داشت و ارتباط از طریق کلام برقرار می‌شد؛ کلامی که ما از آن به سخنانی برای ایجاد ارتباط و رفع نیازهای روزمره انسان یاد می‌کنیم که با کلام به معنای ایجاز، استعاره و صورت‌های دیگر ادبی تفاوت بسیاری دارد. در گذر زمان انسان برای آنکه کلامش پایدار و ماندگار باشد، خط را اختراع کرد، گرچه باید اذعان کرد که لطافت و معانی در بیان شفاهی دقیق‌تر و جذاب‌تر از نوشته است. نوشته کلام بی‌آهنگ و خاموش است،

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی؛
Motahami20@khu.ac.ir



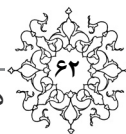
ولی کلام، ماهیت فکری و معنوی و خط، ماهیت محسوس دارد. اصولاً گفتار شفاهی این برتری را نسبت به سنت مکتوب دارد که در وهله اول، زنده و پویاست و با مطالعه آن، اندیشه‌های مردم بهتر شناخته می‌شود و در وهله بعد اینکه استنباط مسائل دشوار، به‌ویژه مطالب فلسفی و عرفانی که نیاز به زبانی فنی و کتابی دارد، از متن‌ها آسان نیست و در برخی موارد تعبیرهای مختلف را سبب می‌شود؛ حال آنکه گفتار شفاهی این دشواری را ندارد. پس از اختراع خط که از آن به دوره تاریخی یاد می‌شود، انتقال شفاهی (سینه به سینه) منسوخ نشد و گزارش‌های شفاهی منشاء آثار مکتوبی مانند تاریخ هرودوت و تاریخ توسیدید گردید. پس از آنکه تمدن اسلامی در جزیره‌العرب شکل گرفت، راویان به شرح وقایع و حوادث صدر اسلام (مکتب مدینه) پرداختند. اطلاعات شفاهی راویان جزیره‌العرب را می‌توان در منابعی همچون ایام العرب، معازی و علم‌انساب مشاهده کرد. در اروپا با وقوع رنسانس، تاریخ‌نگاری مکتوب مبتنی بر تاریخ شفاهی، دچار رکود شد، اما پس از جنگ جهانی دوم که اندیشه‌های ناسیونالیستی و دموکراسی رواج یافت، تاریخ شفاهی که شیوه‌ای نو در تاریخ‌نگاری بود، به تدریج رونق یافت و شیوه علمی و دانشگاهی پیدا کرد. پیشرفت تاریخ شفاهی تا اندازه‌ای مرهون متداول شدن ضبط صوت‌های همراه بود. اختراع ضبط صوت و بهره‌گیری از آن را باید انقلابی در عرصه جمع‌آوری داده‌ها و اطلاع‌رسانی علمی برشمرد (نورائی؛ ابوالحسنی ترقی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۸).

تاریخ شفاهی به صورت رسمی، از سال ۱۹۴۸ میلادی رونق گرفت. در این سال آلن نوینز^۱ اولین آرشئو مدرن تاریخ شفاهی را در دانشگاه کلمبیا به وجود آورد. دهه ۱۹۶۰م. عصر طلایی تاریخ شفاهی و هم‌زمان با تأسیس انجمن جهانی تاریخ شفاهی^۲ بود که عملاً زمینه را برای شکوفایی جنبشی موسوم به جنبش تاریخ شفاهی هموار کرد. از آن پس استفاده از تاریخ شفاهی در دستور کار مورخان قرار گرفت، به نحوی که از سال ۱۹۷۰م. استفاده از منابع شفاهی از ملزومات علم تاریخ به حساب می‌آمد (فاطمی مقدم، ۱۳۸۸، ص ۱۰). مکتب آنال فرانسه هم به این رونق کمک شایانی کرد، چون نخستین پژوهشگاه علوم انسانی را در سطح جهانی تأسیس کرد. هدف این مکتب ثبت تاریخ همه‌جانبه‌ای از حیات بشر بود (ابوالحسنی ترقی، ۱۳۹۰، ص ۲۸). در ایران شیوه شفاهی انتقال مطالب مانند جزیره‌العرب رواج یافت ولی به تدریج فراموش شد اما در دهه‌های اخیر دوباره به آن توجه شده است.

پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن وقوع جنگ تحمیلی، دو عامل مهم در توجه به خاطره‌نویسی و تاریخ شفاهی شد و مورخان بر آن شدند که به روش تاریخ شفاهی مسائل انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را ثبت کنند.

1. Allen Nevins.

2. OHA.



پیشینه پژوهش

از سال ۱۳۸۵ش. که سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نخستین همایش تاریخ شفاهی را برگزار کرد تاکنون، در همایش‌ها و کارگاه‌های متعددی، تاریخ شفاهی از ابعاد مختلف بررسی و تبیین شده که در جای خود ارزشمند است. انتشار دوفصلنامه وزین تاریخ شفاهی از سال ۱۳۹۴ش. نیز بر اهمیت موضوع افزود و جایگاه مهم‌تری برای تاریخ شفاهی باز کرد. از افراد پرکار در حوزه تاریخ شفاهی می‌توان از آقایان نورائی و ابوالحسنی ترقی نام برد که به‌ویژه با تألیف کتاب تاریخ شفاهی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری معاصر ایران (۱۳۵۸-۱۳۸۵) مباحث منسجم و فراگیری را در این حوزه بیان کرده‌اند؛ البته اگر مؤلفان در این کتاب به فلسفه تاریخ شفاهی بیشتر توجه می‌کردند، بر جامعیت آن افزوده می‌شد. نظر به اینکه موضوع تاریخ شفاهی در تاریخ معاصر ایران شیوه‌ای جدید و نو است، هرچه بیشتر ابعاد موضوع بررسی شود، جایگاه و نقش آن بهتر تبیین می‌گردد. از این‌رو در این تحقیق، به بحث تاریخ شفاهی و نقش آن در تاریخ‌نگاری پرداخته شده و تلاش گردیده است جایگاه تاریخ شفاهی از نظر تاریخ‌نگاری، اهمیت و کارکردها، روش اجرا وضع‌های آن بررسی شود.

تاریخ‌نگاری

تاریخ شرح زندگی انسان است و به چون‌وچرایی زندگی انسان می‌پردازد و موضوع آن انسان است. فرایند تاریخ، فرایند افکار است، فکر هم عامل پویایی و نوآوری است و اگر قدرت فکر نباشد، زندگی انسان هم مانند حیوان می‌شود و سیر زندگی او روند طبیعی و غریزی می‌یابد. لذا تاریخ، بیان جنبه‌های فیزیکی و شخصی انسان نیست، چراکه با این خصوصیات، انسان با حیوان یکسان است. بدین جهت است که تاریخ گذر زمان نیست، بلکه گذر از هویت‌های مختلف و گرفتن هویت‌های دیگر است. پس انسان است که تاریخ دارد، چون زمان بر جماد و نبات می‌گذرد، ولی تغییر و ایجاد هویت ندارد. تاریخ در پی کشف حقایق است و می‌خواهد اندیشه‌ها، گفتارها و کردارهای انسان را با تکیه بر مدارک و اسناد بشناسد، لذا انسان شأنت تاریخ دارد. وقایع و رویدادها مبنای پیدایش تاریخ‌اند، چون حوادث و اتفاقات مانند امور طبیعی مابه‌ازاء خارجی ندارند و رویدادهای گذشته در زمان حال، قابل‌دیدن و لمس کردن نیستند و وقایع حال، در آینده نیز لمس نمی‌شوند. پس آثار گذشتگان ماجرای آن حوادث و وقایع را درست یا نیمه‌درست، برای آیندگان بازمی‌گویند و به این آثار در اصطلاح تاریخ‌نویسی، «منابع و مأخذ تاریخ» گفته می‌شود. منابع را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی کرد:

۱. منقولات، شامل هر نوع گفتاری است که از گذشته حکایت می‌کند، مانند داستان‌ها، افسانه‌ها، خاطرات شفاهی، ضرب‌المثل‌ها و اسطوره‌ها. معمولاً منقولات با گذشت زمان به صورت



مکتوب درمی‌آیند؛

۲. مکتوبات، شامل هر نوع نوشته اعم از کتیبه، سند، کتاب، روزنامه، مجله، سفرنامه و مانند آن‌هاست که مطالبی درباره گذشته دارد؛

۳. محسوسات، شامل هر نوع آثاری که از گذشته به‌جای مانده باشد، مانند بناها، ابزارها و نقش‌ها؛

۴. معقولات، هر نوع استنباطی است که انسان از طریق استدلال یا تخیل برای درک گذشته یا تکمیل و تصحیح اطلاعات خود درباره گذشته انجام می‌دهد (تاریخ‌شناسی، ۱۳۷۹، ص ۵).

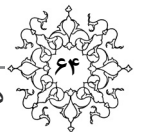
تاریخ‌نگاری کوششی است برای انتقال روح و اطلاعات زمانه توسط مورخ با قالب‌های ویژه و کوششی که در پرتو آن، مورخ می‌کوشد تا تعریف خود از تاریخ و انتظارات مخاطب از آن را منعکس کند (حضرتی، ۱۳۸۱، ص ۹۶)، در واقع تاریخ‌نگاری تبدیل واقعیات گذشته و شواهد تاریخی به منبع تاریخی است. این، مورخ است که واقعیات و شواهد گذشته را به منبع تاریخی تبدیل می‌کند. منابع و شواهد تاریخی متنوع هستند و هر اثری اعم از مکتوب یا مادی یا شفاهی، می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد. در خصوص هر نوع مدرک و اثر در تاریخ‌نگاری، هاروی رابینسون^۱ چنین می‌گوید: «تاریخ در فراخ‌ترین معنایش، شامل هر اثر و نشانی است از هر آنچه انسان از ابتدای پدیدار شدن آن بر روی زمین انجام داده یا به آن اندیشیده است. منابع اطلاعاتی از تیر سنگی زُمخت و سُئل، تا روزنامه صبح امروز را دربر می‌گیرد» (استنفورد، ۱۳۸۸، ص ۲۲۸). تیخو میروف^۲ آکادمیسین نیز می‌نویسد: «همه بقایای زندگی گذشته، جزو منابع هستند» (پروفه‌یف، ۱۳۶۰، ص ۱۲۸).

علاوه بر این «نظر به اینکه معرفت ما نسبت به گذشته غیرمستقیم است و تاریخ همه گذشته نیست، با منابع مکتوب نمی‌توان به همه حقیقت یک موضوع دست یافت، چون هیچ مورخی نمی‌تواند به وقایع گذشته اشراف داشته باشد و آن‌ها را احیاء کند، زیرا عملاً محتوای آن‌ها نامحدود است» (جنکینز، ۱۳۸۴، ص ۳۱).

این را هم باید در نظر داشت که بسیاری از آثار و نوشته‌های تاریخی، صرفاً روایت ساده وقایع هستند و هر واقعه‌ای که روی می‌دهد، مانند کوه یخی است که بیرون از آب قرار دارد و قسمت اعظم آن ناپیدا و نهفته است. معمولاً بخش مهمی از علل و انگیزه‌های وقایع، ناپیداست، یا در اعماق ذهن و روان جامعه قرار دارد، یا در پستوی ذهن کارگزاران است و به همین روی، گاه همیشه پنهانی مانده است (باقی، ۱۳۷۳، ص ۲۱). استعداد انسان در مشاهده محدود است، چون مشاهده نتیجه دقت است. انسان معمولاً همه چیز را نمی‌بیند بلکه آنچه را برایش مهم و جالب است، می‌بیند یا ممکن است به چیزهای ساده و پیش‌پاافتاده توجه نکند، در صورتی که ممکن است این موارد ساده، برای درک و نتیجه‌گیری برخی موارد، مهم باشند. بنابراین کشف حقیقت و رسیدن به آن، امری دشوار و گاه دست‌نیافتنی است؛ اینجاست که نقش مورخ در تبیین واقعیت بسیار مهم است. مورخ فردی است که تاریخ را به نگارش درمی‌آورد و به دنبال این است که مجموع شواهد

1. Harvey Robinson.

2. Tykhv Myrvf.



تاریخی در دسترس را مکتوب کند. او باید تمام تلاش خود را به کار گیرد تا واقعیت را به دست آورد. مورخ در راهی که دنبال می‌کند، دو مقوله اساسی زیر را پیش‌روی دارد:

- اینکه هر نوع واقعه زندگی انسان را ثبت کند؛
 - با روش‌های خاص، در جهت کسب معرفت کوشش نماید و به حقیقت نزدیک شود.
- بسیاری از منابع مکتوب بر اساس شنیده‌ها و دیده‌ها به کتابت درآمده‌اند که نمونه آن، تاریخ طبری است. طبری در درج واقعه‌ای واحد، از روایان مختلف سود جسته است. در مورد هرودوت^۱ نیز همین بحث است، چون وی بیشتر مطالب خود را به‌ویژه آنچه درباره ایران نوشته است، براساس شنیده‌ها تنظیم کرده است. اگر این موضوع را بپذیریم که هر آنچه تولید انسان است منبع تاریخی محسوب می‌گردد، پس گفتار شفاهی هم تولید انسان است و می‌تواند با رعایت اصول علمی، مثل یک منبع تاریخی مورد استفاده قرار گیرد.

در گذشته، بیشتر افراد جامعه توانایی نوشتن نداشتند و امور کتابت بر عهده دبیران بود که اکثراً از وابستگان حکومت بودند. بنابراین می‌توان گفت آنچه دبیران ثبت و ضبط می‌کردند، مربوط به حکومت و دربار و منعکس‌کننده خواسته‌ها و تمایلات آنان بود. از این رو تاریخ، ابزاری در اختیار طبقه حاکم بود و این شیوه از نظر مورخان، به‌ویژه در دوران معاصر، مورد انتقاد قرار گرفت چون در این گونه تاریخ‌نگاری، اکثریت جامعه یعنی توده مردم نادیده گرفته می‌شدند. بدین لحاظ تاریخ شفاهی می‌تواند روشی باشد که در حد خود به دموکراتیزه کردن تاریخ کمک کند و در حد امکان فرصت اظهار نظر را برای آحاد مردم فراهم نماید.

وقایع و حوادثی در جامعه رخ می‌دهد که برخی از آن‌ها جایی ثبت نمی‌گردد یا تجربیات، هنرها، مهارت‌ها و پیشه‌هایی در جامعه وجود دارد که ممکن است جامعه بدان توجهی نکند و به تدریج از صحنه جامعه حذف شوند. اگر تاریخچه رخدادهای ثبت نشده و تجربیات جامعه را جمع‌آوری کنیم، مجموعه ارزشمندی می‌شود که موجب پیوستگی اجتماعی و انتقال تجربیات و عامل تعمیق اجتماعی می‌گردد. به روش تاریخ شفاهی می‌توان این گنجینه‌ها را ضبط و ثبت کرد. استنفورد^۲ در مورد اهمیت تاریخ شفاهی این گونه نوشته است: «اهمیت تاریخ شفاهی این است که در سطوح متعددی تازگی دارد، نه تنها نوع غیر معمولی از شواهد را می‌شناساند، بلکه منابع مختلفی را نیز می‌گشاید، بخش‌های مختلف حوزه تاریخی را دسترس پذیر می‌سازد و غالباً زوایای جدیدی از تفسیر را مطرح می‌کند» (استنفورد، ۱۳۸۸، ص ۲۵۶). با توجه به گستره تاریخ شفاهی می‌توان گفت که مقوله‌ای دوسویه است یعنی با تاریخ و علوم اجتماعی در ارتباط است.

1. Herodotus.

2. Stanford.



تاریخ شفاهی

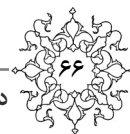
بیان تعریفی از تاریخ شفاهی که جامع و مانع باشد، دشوار است و در اینجا به اتکای منابع، چند تعریف از آن را بیان می‌کنیم:

تاریخ شفاهی روشی است برای گردآوری و نگهداری اطلاعات تاریخی از راه ضبط (صوتی یا تصویری) مصاحبه با افراد در مورد حوادث و وقایع مربوط به یک رویداد و واقعه یا به عبارتی «تاریخ شفاهی مجموعه تلاش‌هایی است که با بهره‌گیری از فنون و ابزارهای خاص خود به جمع‌آوری و حفظ داده‌های تاریخی حاصل از تجارب شخصی افراد و گروه‌های اجتماعی می‌پردازد. این داده‌های تاریخی در یک بستر خاص و پذیرفته‌شده فرهنگی و از تعامل و توافق میان مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌گر در یک گفت‌وگوی طرفینی حاصل می‌گردد» (حسن‌آبادی، ۱۳۹۵).

«تاریخ شفاهی جزو منابع ذهنی یا نقلی است. منابع ذهنی شامل مسموعات، مشاهدات و خاطرات اشخاص است. اساطیر باستانی، افسانه‌های کهن، حکایات تاریخی و داستان‌های قهرمانان ملی، جزو منابع ذهنی و نقلی هستند» (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۳). «تاریخ شفاهی حرف‌های یابو، بی‌ارزش و شایعات نیست، بلکه گواهی‌هایی است که با اتکا به روش‌های علمی از زبان مردم درباره خاطرات، تجربیات و حوادث و وقایع مورد نظر آنان جمع‌آوری می‌شود» (moyer, 1993).

«تاریخ شفاهی برآیند دو مقوله مصاحبه و محصول و نتیجه آن است، هم یک روش پژوهشی است و هم نتیجه آن پژوهش. هدف در تاریخ شفاهی رسیدن به واقعیت عینی رویدادها و وقایع در حد امکان است. روش تاریخ شفاهی با تاریخ‌نویسی متفاوت است. در تاریخ‌نویسی مورخ اسناد و مدارک را بررسی می‌کند و سروکار مورخ با اشیاء، مکتوبات و جامدات است که بی‌روح‌اند، ولی تاریخ شفاهی با انسان‌هایی سروکار دارد که دارای روح‌اند و صاحب اراده و تدبیر؛ از این رو کار مورخ در تاریخ شفاهی به مراتب سخت‌تر و پیچیده‌تر است.

وجه تمایز تاریخ شفاهی با خاطره‌نویسی در این است که در خاطره‌نویسی، فرد اطلاعات خود را درباره موضوعی بدون پرسش و پاسخ بیان می‌کند، ولی در تاریخ شفاهی حتماً دو طرف، یعنی مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده حضور دارند و مصاحبه‌شونده بر اساس سؤال‌های هدفمند به طرح موضوع می‌پردازد. هسته سخت و اولیه در خاطره، نقل یا روایت است، نقلی که تنها یک‌بار ذکر می‌گردد و ثبت می‌شود، درحالی‌که در طرح تاریخ شفاهی، دخالت زمان، مکان، راوی (مصاحبه‌شونده) و مصاحبه‌گر، روایت را به شکل گزارش درمی‌آورد. خاطره‌نگاری خاص خود فرد است، اما تاریخ شفاهی خاص فرد نیست، بلکه آن فرد در درجه اول انتخاب می‌شود، سپس اطلاعات تاریخی‌اش استخراج می‌گردد. محصول خاطره‌نگاری، فردی و محصول تاریخ شفاهی، نه فردی بلکه بر اساس ضرورت زمان است» (نورائی؛ ابوالحسنی ترقی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۱، ۱۱۸).



تاریخ شفاهی منبعی برای تاریخ‌نگاری

در طول تاریخ دانشمندان و مورخان از روش شفاهی استفاده کرده و بر آن تأکید نموده‌اند. بیهقی می‌گوید: «اخبار گذشته را دو قسم گویند که آن را سه دیگر نشناسند، یا از کسی به باید شنید و یا از کتابی به باید خواند» (بیهقی، ۱۳۵۰، ص ۶۶۲).

طبری نیز در این باره می‌نویسد: «آگاهی از حوادث اقوام گذشته و اخبار و رویدادهای جاری برای کسانی که زمان آن‌ها را درک نکرده یا خود، ناظرشان نبوده‌اند حاصل نمی‌شود، مگر از راه اخبار مخبران و نقل ناقلان» (آئینه‌وند، ۱۳۶۰، ص ۴). توسیدید^۱ مورخ جنگ‌های صلیبی، شیوه کار خود را چنین نوشت: «یا خودم در رویدادهایی که توصیف کرده‌ام حاضر بوده‌ام یا در غیر این صورت، آن‌ها را از شاهدی عینی شنیده‌ام که گزارش‌های آن را با آن کمال و دقتی که ممکن بود، کنترل کرده‌ام، حتی کشف حقیقت به این طریق هم آسان نبود. شاهدان عینی مختلف، گزارش‌های متفاوتی از رویدادهای واحد عرضه می‌کردند» (استنفورد، ۱۳۸۸، ص ۲۵۷).

به روش تاریخ شفاهی می‌توان موضوعات مختلفی را مورد بررسی قرار داد. این امر بستگی به هدف و مسئله مورد تحقیق دارد. موضوع می‌تواند یکی از این موارد یا غیر از اینها باشد: تاریخ محلی، حرفه‌ها، مهارت‌ها، خلاقیت‌ها، نبردها، خدمات عمومی، سیر تفکرات فردی و گروهی، ارتباطات اجتماعی داخلی و خارجی، خورد و خوراک‌ها، تاریخ خانواده و گروه‌هایی مثل لوطیان، عیاران و همچنین گروه‌های به حاشیه رانده شده مانند کارگران، رنگین‌پوستان و مهاجران.

کارکردهای تاریخ شفاهی

به روش تاریخ شفاهی می‌توان به موارد زیر دست یافت:

۱. گردآوری سخنان مردم از تجربیات، داستان‌ها و خاطرات‌شان؛
۲. جست‌وجو در مسائل و تجربیات گذشته که کمتر عمومی و رایج بوده است؛
۳. مطرح کردن افراد بی‌نام و نشان که ممکن است به این روش، جایگاه برتری در جامعه پیدا کنند؛
۴. بیان ریشه‌های فرهنگی برخی باورها و رفتارها؛
۵. به حداکثر رساندن کارکردهای تاریخ؛
۶. جبران کردن کوتاهی‌های تاریخ‌نگاری؛
۷. بیان صداهای خاموش؛
۸. ماندگار کردن وقایع و حوادثی که در جایی ثبت نشده است، به‌ویژه موضوعاتی که مربوط به کاستی‌ها و نارسایی‌های جامعه است؛
۹. روشی برای دسترسی به فرهنگ عامه؛

1. Thucydides.



۱۰. راهی برای شناخت و معرفی گروه‌های غیررسمی که در تحولات اجتماعی نقش آفرین بوده‌اند و تقریباً به فراموشی سپرده شده‌اند، مانند لوطیان، عیاران و پهلوانان؛

۱۱. راهی برای حفظ برخی از پیشه‌ها و هنرهایی که در نتیجه تحولات اجتماعی از بین رفته یا در حال از بین رفتن هستند، مانند چاقوسازان، حلاجان و مسگران.

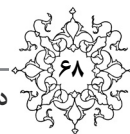
علاوه بر این به روش تاریخ شفاهی می‌توان نکته‌ها و ایده‌هایی را ثبت کرد که از سایر منابع کمتر دریافت می‌شود و چون موضوعات به طریق زنده دریافت می‌شوند، پویایی و بالندگی دارند و این حالت در نوشته‌ها دیده نمی‌شود. همچنین می‌توان به کُنه و بطن موضوعات وارد شد که در نوشته‌ها کمتر می‌توان به آن‌ها دست یافت. تاریخ شفاهی در عین حفظ وقایع، بازتولید وقایع نیز است، چون تا تولید نباشد حفظ وقایع معنا نمی‌یابد.

تاریخ شفاهی روشی است برای پاسخ به این عبارت: «تاریخ همیشه درباره قدرت است» (جنکینز، ۱۳۸۴، ص ۵) و اینکه تاریخ همیشه درباره قدرت نیست، بلکه توجه به قشرهای تقریباً کنار زده شده یا ثبت تجربیات، هنرها، مهارت‌ها و مسائلی از این قبیل نیز است. همچنین می‌توان این‌طور بیان کرد: «تاریخ شفاهی امکان بیان تجربه افراد را فراهم می‌آورد و به شکل‌گیری روایت کمک می‌کند. بی‌سواد، کم‌سوادی، مشکلات زندگی و دل‌مشغولی‌ها، ترس، ملاحظه‌کاری و غلبه فرهنگ شفاهی، بخشی از موانعی است که همواره در جوامع سنتی، از نگارش خاطرات جلوگیری به عمل می‌آورد و این، تاریخ شفاهی است که سعی در برطرف ساختن آن مانع‌ها دارد» (نورائی؛ ابوالحسنی ترقی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹).

تاریخ شفاهی روشی مطمئن جهت جلوگیری از مسئله از دست رفتن فرصت‌هاست. بایستی به موقع به سراغ افراد یا گروه‌های مورد نظر رفت و دانش و اطلاعات آنان را درباره موضوع مورد نظر به دست آورد، چراکه گذر زمان، کهنوت سن به دنبال دارد و حافظه را ضعیف می‌کند. اگر دیر اقدام شود، خود می‌تواند عامل فرصت‌سوزی شود، چون کهنوت سن، امکان یادآوری مسائل را کاهش می‌دهد یا ممکن است فرد از دنیا برود. موضوع دیگر در تاریخ شفاهی که ممکن است فرصت‌ها را از بین ببرد و حتی نسبت به مشکل کهنوت سن بدتر هم باشد، ورود افراد یا گروه‌های غیر حرفه‌ای به موضوع یا برخوردهای احساسی و ناشیانه است.

روش تاریخ شفاهی

تاریخ شفاهی بر مصاحبه و گفت‌وگوی حضوری استوار است. وقتی که روند مصاحبه و گفت‌وگو روشی قانونمند و علمی داشته باشد، متن مصاحبه می‌تواند با سهولت بهتری در ردیف متن تاریخی قرار گیرد. بدین لحاظ مسائل مربوط به مصاحبه و ضعف و قوت‌های آن بیان می‌شود. افرادی که با آن‌ها مصاحبه می‌شود، ممکن است مصداق یکی از موارد زیر باشند:



۱. در متن حادثه بوده و از عوامل ایجاد حادثه یا واقعه بوده‌اند؛
 ۲. شاهد حادثه بوده و به‌طور خاص یا به‌صورت عام، سایر افراد حادثه را دیده‌اند؛
 ۳. از طریق شنیده‌ها با حادثه یا واقعه مرتبط هستند.
- اگر بتوان در مصاحبه از افراد مصداق بند یک بهره‌مند شد، زوایای پنهان حوادث و وقایع روشن‌تر و واضح‌تر خواهد شد. پس برای دسترسی بیشتر به اطلاعات درباره یک حادثه یا واقعه، زمان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد که نباید آن را از دست داد. تاریخ‌شفاهی مبتنی بر مصاحبه و گفت‌وگوی حضوری با مصاحبه‌شونده است. رعایت اصول مصاحبه، مکان، زمان و نوع تعامل مصاحبه‌کننده با مصاحبه‌شونده، طرح سؤال‌های مناسب و به‌جا، نتایجی را به‌دست می‌دهد که چون به کتابت درآید، در ردیف متون تاریخی قرار می‌گیرد. به‌رحال در تاریخ‌شفاهی محقق با کمک اسناد مکتوب و دیگر شواهد، روزشمار و ترتیب تاریخی وقایع را تنظیم می‌کند (نورائی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷).

آسیب‌های تاریخ‌شفاهی

در تاریخ‌شفاهی مصاحبه‌شونده تنها محور اصلی نیست که به بیان مشاهدات و شنیده‌های خود درباره یک موضوع یا واقعه‌ای می‌پردازد، البته جایگاه اساسی دارد ولی مصاحبه‌کننده و مکان و زمان نیز در موضوع مؤثر و دخیل هستند. بنابراین ضعف‌ها و مشکلاتی که ممکن است در روند کار ایجاد شود، هر سه عامل (مصاحبه‌شونده، مصاحبه‌کننده، زمان و مکان) را دربر می‌گیرد.

مصاحبه‌شونده

برخی ضعف‌ها در این باره عبارت است از:

- ضعف قوه حافظه، وجود اغراض شخصی، غفلت و تسامح (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۴).
- برجسته‌کردن نقش خود و کم‌رنگ کردن نقش دیگران، لاف‌زدن و دروغ گفتن، پنهان کردن ضعف یا لغزش‌های خود، دخالت‌دادن دیدگاه‌های شخصی، سن و سواد؛
- موضوع مورد مصاحبه از تنگناهای مصاحبه است. وقتی که با یک مبارز سیاسی صحبت می‌شود با وقتی مصاحبه با یک رزمنده دفاع مقدس است، تفاوت می‌کند. مبارز سیاسی ممکن است در برخی موارد خودسانسوری کند و به لحاظ شرایط سیاسی، همه آنچه را می‌داند بیان نکند یا حقیقت را نگوید و برخی جاها مانند شکنجه‌ها، به‌ویژه اگر شکنجه جنسی بوده باشد، برای حفظ آبرو چیزی نگوید یا در بیان مطالب تواضع کند؛
- گرایش خاص به نخبگان نیز می‌تواند از مشکلات تاریخ‌شفاهی باشد. اصولاً مورخان در مصاحبه‌ها به سراغ نخبگان می‌روند و اگر صرف‌توجه به این قشر باشد، تاریخ‌شفاهی تاریخ

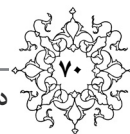


نخبه‌گرایی خواهد شد. لازم به ذکر است که علمی‌ترین و بهترین روش، انتخاب موضوع و تعیین هدف است. سپس براساس هدف، فرد یا افرادی که به موضوع اشراف و اطلاع دارند، انتخاب شوند و اگر چنین شود، از توجه صرف به فرد یا افرادی کاسته می‌شود.

مصاحبه‌کننده

مصاحبه به‌مثابه ابزار تاریخ‌شفاهی است، از آنجاکه مصاحبه‌کننده با طرح سؤال‌های آگاهانه، نقش اساسی در مصاحبه دارد و محوریت با پرسش‌های مصاحبه‌گر است، لذا روایت و متن تولیدشده، حاصل تعامل و گفت‌وگو با مصاحبه‌گر است. بدین ترتیب هم مصاحبه‌گر و هم مصاحبه‌شونده در حکم مورخ هستند، بدین لحاظ نقش مصاحبه‌کننده کمتر از مصاحبه‌شونده نیست و لازم است مصاحبه‌کننده موارد زیر را رعایت کند:

۱. مصاحبه‌کننده باید به کار و موضوع، عشق و علاقه داشته باشد، در غیر این صورت، به‌خوبی از عهده کار برنمی‌آید؛
۲. به موضوع اشراف کامل داشته باشد تا چنانچه مصاحبه‌شونده قادر به بیان مناسب مطالب نباشد یا حافظه‌اش یاری نکند، بتواند با توضیحات علمی او را یاری کند تا حوادث را بهتر به‌یاد آورد و بیان کند (ابتکار و خلاقیت)؛
۳. نسبت به روش‌های ارتباط و مصاحبه آگاهی داشته باشد (مهارت)؛
۴. در زمینه بیانات مصاحبه‌شونده پیش‌فرض و قضاوت نداشته باشد؛
۵. مصاحبه‌کننده نباید سوگیری و جهت‌دهی داشته باشد. طبری می‌نویسد: «در نقل گفتار دیگران، نباید استنتاج عقلی یا استنباط ذهنی را دخالت داد» (آئینه‌وند، ۱۳۶۰، ص ۴۴، ۷۴). همچنین دوری از حب‌وبغض و به‌کارگیری اسلوب و روش‌های علمی، از شرایط اساسی تاریخ‌نگاری است؛
۶. نسبت به مصاحبه‌شونده شناخت لازم را داشته باشد، چون شناخت این امکان را ایجاد می‌کند که اگر مصاحبه‌شونده در زمان مصاحبه راه کتمان یا لاف‌زنی یا اغراق را در پیش گرفت، از آن جلوگیری کند و مصاحبه را در مسیر صحیح هدایت نماید؛
۷. توانایی برقراری ارتباط صمیمی و عاطفی با مصاحبه‌شونده را داشته باشد، چون این رابطه موجب احساس امنیت در مصاحبه‌شونده شده و راحت‌تر صحبت خواهد کرد؛
۸. مصاحبه‌گر نباید منتظر رمزگشایی از تاریخ باشد، بلکه با پرسش‌های به‌موقع، راوی را در روایت بهتر، روشن‌تر و صحیح‌تر گذشته یاری کند (نورائی؛ ابوالحسنی‌ترقی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۳)؛
۹. مصاحبه‌کننده نوعی ارتباط با مصاحبه‌شونده برقرار می‌کند که نتیجه آن در یک ارتباط صمیمی با آنچه در ارتباط ضعیف و عدم همدلی به‌وجود می‌آید، کاملاً متفاوت خواهد بود. پس لازم



است رابطه مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شوند در محیطی آکنده از محبت و آرامش باشد؛
۱۰. مصاحبه‌گر بایستی در هنگام مصاحبه ادب و متانت را رعایت نماید، چون کار او مانند
شخم‌زدن زمین است. در هنگام شخم‌زدن گاهی زمین سفت است و گاهی نرم، پس باید در
برابر مصاحبه‌شونده انعطاف، صبر و حوصله داشته باشد. او باید به دنبال روشن کردن حقیقت
باشد و بداند که یک بازجو نیست.

زمان مصاحبه

- در مورد زمان مصاحبه ذکر این موارد ضروری است:
- هرچه زمان مصاحبه به زمان وقوع رخداد یا واقعه نزدیک‌تر باشد، مصاحبه‌شونده خاطرات را
بهتر بیان خواهد کرد. گذر زمان، کهنوت سن و فراموشی می‌آورد یا حتی ممکن است مرگ
را به دنبال آورد؛
 - توجه به زمان واقعه مهم است، پس بایستی سؤال‌ها طوری باشد که زمان واقعه را به‌خوبی
ترسیم و روشن کند.

مکان انجام مصاحبه

- لازم است در انتخاب مکان مصاحبه، به این نکات توجه کرد:
- نتیجه مصاحبه در یک اتاق با وقتی که مصاحبه در محل حادثه یا واقعه صورت می‌گیرد،
متفاوت است. به‌طور مثال اگر با یک رزمنده در محل رزم او مصاحبه شود، با یک اتاق که
فرسنگ‌ها با محل حادثه فاصله دارد، متفاوت است؛
 - بایستی مکان مصاحبه از نظر نور و فضا مناسب بوده و به دور از سروصدا باشد؛
 - سؤال‌ها به‌صورتی باشد که در حد امکان اقلیم و توپوگرافی مکانی که واقعه در آن رخ داده
است را ترسیم و روشن نماید.

زبان‌شناسی

در مصاحبه زبان مقوله‌ای مهم است. زبان وسیله ارتباط و سازمان‌دهنده ادراکات، تجربه‌ها و
دریافت‌ها است. زبان، منش و شخصیت اخلاقی، اجتماعی و علمی فرد را به‌نمایش می‌گذارد.

آدمی مخفی‌ست در زیر زبان این زبان پرده‌ست بر درگاه جان

(مثنوی معنوی، ۱۳۷۶، ۲د، ص ۲۲۵)



فردی که زبان نیرومندتر و کلام قوی‌تری دارد، در ارتباطات اجتماعی موفق‌تر و راحت‌تر می‌تواند خواسته‌هایش را به کرسی بنشانند. آن کس که ناتوان در گفتار است، سرخورده و مغلوب است.

سخن گفتن کثر ز بیچارگی ست به بیچارگان بریاید گریست

(فردوسی، ۱۳۶۹، ج ۶، ص ۸۲)

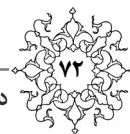
زبان، فضای اندیشیدن و خلاقیت است. اینکه توان زبانی مصاحبه‌شونده در چه حدی است و چگونه از آن در بیان خاطرات استفاده می‌کند، در مصاحبه مهم است. مصاحبه‌کننده باید به توان زبانی مصاحبه دقت کند و متناسب با آن توان، مسیر مصاحبه را به درستی هدایت نماید. مصاحبه‌کننده بایستی در سؤال‌ها، از به‌کاربردن واژه‌های مبهم و شناور پرهیز کند و همچنین توانایی استفاده به‌موقع از صناعت ادبی مانند تشبیه، کنایه، ایجاز و... را دارا باشد.

ضعف‌های دیگر:

- پرهزینه‌بودن مراحل اجرایی تاریخ‌شفاهی و طولانی‌شدن مصاحبه‌ها؛
 - ممکن است برای یک موضوع از چند شاهد استفاده شود و امکان دسترسی به همه شاهدان از مشکلات است؛
 - شرایط سیاسی حاکم بر جامعه در مطالعات تاریخ‌شفاهی اثرات مثبت یا منفی دارد. نوع موضوع مصاحبه هم مورد توجه است. اگر موضوع سیاسی باشد، دشواری آن از موضوع فرهنگی-اجتماعی بیشتر خواهد بود؛
 - آنچه ما از طریق تاریخ‌شفاهی به‌دنبال آن هستیم، ممکن است برای نسل آینده جذابیت نداشته باشد؛
 - پیاده‌کردن مطالب، تبدیل گفتار شفاهی به متن ادبی و بازخوانی مجدد متن، به‌ویژه توسط مصاحبه‌شونده، زمان‌بر و هزینه‌بر است.
- در بحث تاریخ‌نگاری، ابتدا داده‌ها^۱ بررسی شده و سپس تبدیل به گزارش^۲ می‌شود و پس از آن، تاریخ‌نگاران گزارش‌ها را براساس عقل تاریخی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. در تاریخ‌شفاهی آنچه مصاحبه‌شونده گفته است، یک نظر و بیان شخصی است، بنابراین باید مطالب با دیگر روایات، اسناد، مدارک و خاطرات مقایسه شود و به محک عقل سلیم سنجیده گردد؛ چنان‌که بیهقی می‌گوید: «و نیز خرد گواهی دهد که آن خبر درست است و نصرت دهد کلام خدا را که گفته‌اند: خبر و سخنی را که با خرد سازگار نباشد، استوار (باور) مدار» (بیهقی، ۱۳۵۰، ص ۶۲۲). اگر صحت آن گفته‌ها مورد تأیید قرار گرفت، می‌تواند در ردیف سند تاریخی قرار گیرد. به قول ابوسعید ابی‌الخیر: «خردمند آن است که چون کارش پدید آید، همه رأی‌ها را جمع کند و به بصیرت در آن

1. Data.

2. Fact.



نگرد تا آنچه صواب است از او بیرون کند و دیگر را یله کند، همچنان که کسی را دیناری گم شود اندر میان خاک، اگر زیرک باشد همه خاک را که در آن حوالی بود، جمع کند و به غربالی فروگذارد تا دینار پدید آید» (آریان‌پور، ۱۳۵۸، ص ۹).

نتیجه‌گیری:

تاریخ با انسان معنا و مفهوم می‌یابد و چیزی جز فعالیت و اعمال انسان و حیات اجتماعی او در گذر زمان نیست. آنچه از تولیدات فکری و تحولات اجتماعی انسان است، تولید او و جزئی از تاریخ است. تولید انسان یا به صورت شفاهی است یا نوشتاری و مادی (آثار تاریخی) که در قالب کلام، کلمه، تصویر، رنگ و حجم بروز می‌کند. در بررسی یک واقعه تاریخی، باید تمام منابع و مدارک مربوط به آن جمع گردد. ممکن است این مدارک کتبی، شفاهی یا شقوق دیگر از منابع باشد که هر یک به جای خود، ارزش تاریخی دارند. تاریخ شفاهی از جمله منابع تاریخ‌نگاری است. از آنجاکه تاریخ‌نگاری تبدیل شواهد و واقعیت‌های گذشته تاریخی به منبع تاریخی است، از طریق تاریخ شفاهی می‌توان شواهد تاریخی را به منبع تاریخی تبدیل کرد. در هر صورت اگر این روش را نادیده بگیریم، بخشی از حافظه بشر را کنار گذاشته‌ایم. هر جامعه‌ای به هر مقدار که به حفظ تجربیات، مهارت‌ها و سنت‌هایی که در بوته فراموشی قرار دارند، ارزش قائل شود و به تبیین زمینه‌های پنهان وقایع و حوادث بپردازد، به همان میزان به تاریخ شفاهی در آن جامعه اهمیت می‌دهد.

روش تاریخ شفاهی بر مصاحبه و گفت‌وگو استوار است. در دنیای امروز که از علم و فناوری بهره می‌گیرد، این روش می‌تواند نکته‌های پنهان حوادث و وقایع را روشن کند و ما را به حقیقت تاریخی نزدیک‌تر نماید. همچنین رعایت اصول و معیارهای علمی تاریخ‌نگاری در تاریخ شفاهی و اینکه در نهایت مطالب با سایر اسناد و مدارک مرتبط تطبیق داده شود و با محک عقل سلیم سنجیده گردد، می‌تواند تاریخ شفاهی را در ردیف اسناد تاریخی قرار دهد. در بحث تاریخ‌نگاری، تاریخ شفاهی یک روش پژوهشی و نتیجه آن نیز است.

منابع:

- آریان‌پور، امیرحسین (۱۳۸۵). پژوهش. تهران: امیرکبیر.
- آئینه‌وند، صادق (۱۳۶۰). علم تاریخ در اسلام. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ابوالحسنی ترقی، مهدی (۱۳۹۰). نقد و بررسی جایگاه تاریخ شفاهی در تاریخ معاصر ایران (از ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۵ ش). پایان‌نامه دکترای تاریخ، دانشگاه اصفهان.
- استنفورد، مایکل (۱۳۸۸). درآمدی بر تاریخ پژوهی، ترجمه مسعود صادقی. تهران: سمت.
- باقی، عمادالدین (۱۳۷۳). تحریر تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی ایران. قم: تفکر.



- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۵۰). تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض. مشهد: دانشگاه مشهد.
- تاریخ‌شناسی (۱۳۷۹). عبدالرسول خیراندیش، منصور صفت‌گل، جواد عباسی و [دیگران]. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- جنکینز، کیت (۱۳۸۴). *بازاندیشی تاریخ*، ترجمه ساغر صادقیان. تهران: مرکز.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۵). جایگاه تاریخ‌شفاهی در تحقیقات تاریخی (بایدها و نبایدهای تدوین در تاریخ‌شفاهی)، بازیابی شده از وبگاه: <http://www.oral-history.ir>
- حضرتی، حسن (۱۳۸۱). *تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی*. تهران: نقش‌جهان.
- فاطمی‌مقدم، زهرا (۱۳۸۸). بررسی میزان اعتبار استفاده از منابع شفاهی در تحقیقات تاریخی با تکیه بر مصاحبه‌های انجام‌گرفته در خصوص انجمن پیروان قرآن. *نشریه الکترونیکی سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مراکز اسناد استان قدس رضوی*، ۱ (۲): ۱۰.
- قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰). *روش تحقیق در تاریخ‌نگاری*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۹). *شاهنامه*. تصحیح و مقدمه ژول مول، ترجمه جهانگیر افکاری، جلد ۶. تهران: کتاب‌های جیبی.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۳). *مثنوی معنوی*، دفتر دوم، به کوشش دکتر توفیق سبحانی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- یروفه‌یف، ن. آ (۱۳۶۰). *تاریخ چیست*، ترجمه محمد تقی‌زاد. تهران: جوان.
- نورائی، مرتضی: ابوالحسنی ترقی، مهدی (۱۳۸۹). مقایسه تحلیلی خاطره‌نگاری با تاریخ‌شفاهی. *فصلنامه گنجینه اسناد*، ۲۰ (۴): ۹۶-۱۲۲.
- Moyer, Judith (1993). step- by step guide to oral history, in <http://dohistori.org/onyour own/toolkit/oralhistory.html>.

